

۹۶۴ ۱/۲

صدای سخن عشق

احمد نصیری

www.ketab.ir

سرشناسه:
 عنوان و نام پدیدآور:
 مشخصات نشر:
 مشخصات ظاهری:
 شابک:
 وضعیت فهرست نویسی:
 یادداشت:
 شماره کتابشناسی ملی:
 نصیری، احمد، ۱۳۱۱-
 صدای سخن عشق
 تهران: فرهنگ صبا، ۱۳۹۴.
 ۲۳۳ ص. : مصور (رنگی)
 ۹۷۸-۶۰۰-۷۰۴۹-۳۱-۰
 فیای مختصر
 فهرست نویسی کامل این اثر در نشانی:
<http://opac.nlai.ir> قابل دسترسی است.
 ۳۸۴۴۹۴۹



■ ناشر: نشر فرهنگ صبا

■ صدای سخن عشق

■ نویسنده: احمد نصیری

■ چاپ و صحافی: پردیس دانش

■ چاپ اول: ۱۳۹۴ ■ شمارگان: ۵۰۰ نسخه

■ شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۰۴۹-۳۱-۰

■ قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان

فهرست

۱۵.....	سخنی با نویسنده.....
۱۷.....	مقدمه.....
۱۷.....	عرفان منفی - عرفان مثبت.....
۲۱.....	صدایی برای بی صدایان شگفتی های جهان خلقت.....
۲۱.....	همه موجودات را دوست بدارید و به آنها عشق بورزید.....
۲۳.....	انتقام خون گربه.....
۲۴.....	مهر مادر در حیوانات کم تر از انسان نیست.....
۲۵.....	سگ ولگردی که از من کمک خواست.....
۲۷.....	وفای گربه.....
۲۸.....	از محبت خاها گل می شود.....
۲۹.....	ارزش گاز گرفتن هم نداره.....
۳۱.....	سخنی از عشق.....
۳۲.....	هیچ یاری مادر نمیشه.....
۳۳.....	همکاری دوستانه حیوانات.....
۳۴.....	هر چه گویم عشق را شرح و بیان چون به عشق آیم خجل گردم از آن.....
۳۵.....	قلب مادر.....
۳۷.....	سگ باوفا و هوشمند.....
۴۰.....	سخنی از عشق.....
۴۱.....	جنگ مورچه ها با حشره قاطرکش.....
۴۳.....	چگونه نویسنده شدم؟ الهام بخشم کی بود؟.....

۴۵	سخن عشق
۴۶	دنیای خرس‌ها
۴۸	حسادت گربه
۴۹	درسی که عمو یزدان از خرس می‌گیرد
۴۹	مرغ کیوک؛ از شگفتی‌های خلقت
۵۰	ققنوس
۵۱	بو تیمار یا غم‌خورک
۵۱	مرغی که پیش از مرگ فکر جوجه‌اش است
۵۳	سخن عشق
۵۴	بیری و ظلم آدم‌ها
۵۶	طلا و خانم
۵۸	سخن عشق
۵۹	تربیت با تعلیم مادر
۶۰	تعشوق‌بالهره (با گربه عشق بورزید)
۶۱	قاطر عاشق
۶۳	عشق
۶۵	اعدام حاجی لک‌لک‌خانن
۶۷	دوستی سگ و گربه
۶۹	عقاب
۷۰	کرکس
۷۰	همای
۷۱	باغیس
۷۱	صقر
۷۱	حباری یا (حرز)
۷۲	تذرو
۷۲	سلوی یا سمانه؛ چلچله یا پرستو

۷۳	کلنگ
۷۳	طیر کبیر به دباوند
۷۴	سمندر
۷۵	سخن عشق
۷۷	پاداش خوبی
۷۸	از محبت خارها گل می شود
۷۸	مار عاشق
۸۰	سگی که خوبی را تلافی می کند
۸۲	سخن عشق است نیروی محبت و عشق
۸۳	جوجه کشی با زور و قلدری
۸۵	سخن عشق است ترک لذت نفس
۸۶	موش و گربه و انسان
۸۸	مرغ آب رسان
۸۸	بعوضه (پشه)
۸۹	مواظب رنگ قرمز باشید
۸۹	گربه بخش سیاسی
۹۱	آیین دوستیابی
۹۲	زیبایش را همه دوست دارند
۹۳	سخن از عشق
۹۴	سخن عشق است باز هم ازدواج
۹۶	رئیس و اعضای سازمان حمایت از حیوانات
۹۹	عادت پرنده ها
۱۰۱	اختاپوس و پی نا
۱۰۳	سخن عشق است
۱۰۵	سخن عشق است هر نفس نو می شود دنیا و ما
۱۰۶	گربه و خرگوش و حسادت و هویج

- ۱۰۷..... پرنده زندانی
 ۱۰۹..... دشمنی بی جهت در مقابل دوستی جهت دار
 ۱۰۹..... دموکراسی گازهای وحشی
 ۱۱۰..... خر رماتسمی
 ۱۱۱..... وفای عاروس میچکا (گنجشک عروس)
 ۱۱۴..... آشیانه تمیز
 ۱۱۵..... بگیر جانم
 ۱۱۶..... خر معترم
 ۱۱۸..... آشنایان ره عشق در این بحر عمیق غرقه گشتند و نگشتند به آب آلوده
 ۱۱۹..... دین، همین سعادت است
 ۱۲۰..... اردکی که صاحبش را از مرگ نجات داد
 ۱۲۲..... خارپشت مادر
 ۱۲۴..... سخن عشق
 ۱۲۶..... سخن عشق از سونایتا (هندی)
 ۱۲۷..... شوخی با خر
 ۱۲۸..... کوچک، بزرگ را به زمین زد جنگ بین عنکبوت و خرچوسونه
 ۱۳۰..... عشق مارتین لوتر کینگ
 ۱۳۱..... پیشروی خرها
 ۱۳۲..... سگ شکاری استاد
 ۱۳۳..... سگی که آشیانه می ساخت
 ۱۳۴..... شیدای بیچاره
 ۱۳۵..... نیرویی که از ترس بود
 ۱۳۷..... سخن عشق احساس گناه
 ۱۳۸..... زرنگی کبک
 ۱۴۰..... قرقاول - مرغ عشق - میمون
 ۱۴۲..... ناجی من

- ۱۴۴..... مار و بلبل و زنبور.....
- ۱۴۵..... گرگ که گرگ است.....
- ۱۴۸..... اسبی که راهش را بلد است.....
- ۱۵۰..... بز قرآچ.....
- ۱۵۱..... می خواست بچه اش را شیر بدهد.....
- ۱۵۲..... قصه دوم گاوانری که عاشق گاو ماده بود.....
- ۱۵۳..... جنگ کبوتر و کلاغ.....
- ۱۵۴..... ناجی.....
- ۱۵۴..... آرزوی آشیانه بچه.....
- ۱۵۶..... اسبی که مرا نجات داد.....
- ۱۵۷..... سگ باوفا.....
- ۱۵۸..... خرس چشم چران.....
- ۱۶۰..... کبوتر قرمز.....
- ۱۶۱..... خواست وظیفه انجام دهد.....
- ۱۶۲..... داستان خواجه نصیرالدین طوسی و آسیابان.....
- ۱۶۲..... تازی من.....
- ۱۶۳..... سگ شکارچی.....
- ۱۶۴..... دم جنبانک ماده.....
- ۱۶۵..... سخن عشق افسانه هایی که با ما هستند.....
- ۱۶۷..... جنگ آشیانه.....
- ۱۶۸..... ستاره باهوش.....
- ۱۶۹..... بچه های خرس.....
- ۱۷۱..... سگی که خواندن بلد بود.....
- ۱۷۲..... سگ ترافیکی.....
- ۱۷۲..... غریبی که سلمانی را می شناخت.....
- ۱۷۴..... خرسی که درس انسانیت می داد.....

۱۷۵.....	سگ و کلید.....
۱۷۵.....	وفای سگ.....
۱۷۷.....	آوازهای خوشحالی.....
۱۷۸.....	منجوق.....
۱۷۹.....	تقاضای کمک گراز وحشی.....
۱۸۱.....	هدیه‌ای از دریا.....
۱۸۴.....	دوست حیرانات.....
۱۸۵.....	تلافی خوبی.....
۱۸۶.....	عصبانی شدن خرس.....
۱۸۸.....	کینه شتر.....
۱۸۹.....	میان سگ‌ها هم جوانمردی هست.....
۱۹۰.....	سگی که گوساله را نجات داد.....
۱۹۱.....	سگی که آدم سابقه‌دار را به راه راست آورد.....
۱۹۴.....	دامی که گریه برای مار گسترده.....
۱۹۵.....	متظر صاحبش است.....
۱۹۵.....	کمینی که خرس گرفته بود.....
۱۹۶.....	قاطر حاج رمضان اشتباهش را تکرار نمی‌کرد.....
۱۹۷.....	توقفی که جان مرا نجات داد.....
۱۹۸.....	اسب راه بلد.....
۲۰۰.....	سخن عشق سکوت.....
۲۰۴.....	سخن عشق انسان کجاست و انسانیت چیست.....
۲۰۶.....	موسیقی.....
۲۰۷.....	سخن عشق.....
۲۰۹.....	حقوق حیوانات.....
۲۰۹.....	در فقه اسلامی.....
۲۰۹.....	قسمتی از رسائل فقهی (از صفحه ۱۱۵ الی ۱۲۱).....

- مربوط به حقوق حیوانات در فقه اسلامی..... ۲۰۹
- استاد علامه ۲۰۹
- محمد تقی جعفری ۲۰۹
- حقوق حیوانات در فقه اسلامی ۲۱۱
- وظیفه ما در مورد درختان ۲۱۸
- دستورات پیامبر گرامی اسلام در مورد حیوانات ۲۱۹
- فرازی از نهج البلاغه مولا علی مصباح الظلمه فروع عشق ۲۲۰
- انطلق علی التقوی در انجام وظیفه پرهیزکار باش ۲۲۰
- ثُمَّ نَفِیْحَ فِیْهَا مِنْ رُوحِهِ فَمَثَلُ إِنْسَانًا ۲۲۴
- آدرس محبت عشق ۲۲۶
- همچون خود عشق و محبت ۲۲۷
- کاش ۲۲۹
- اوضاع جهان ۲۳۱
- سخن عشق ۲۳۲

سخنی با نویسنده

دوست و شاعر و نویسنده گرانقدرم آقای احمد نصیری که سال‌ها در عرصه فرهنگ و ادب و اخلاق قلم و رقم می‌زند یادگارهای ارزشمندی از خود به جای گذاشت که مورد توجه و استفاده علاقمندان قرار گرفت.

کتاب حاضر «صدای سخن عشق» از جمله کتاب‌های به یادماندنی خواهد بود که از دیدگاه متفاوتی به جهان هستی و کائنات و پدیدآورنده‌اش یعنی خالق هستی‌بخش می‌نگرد. در این مجموعه چگونه زیستن و چگونه اندیشیدن و چگونه عشق ورزیدن را با خالق هستی و خلقت و اینکه چگونه بایستی به مخلوق و خالق نگرشی اندیشمندانه داشت را به ذهن خواننده یادآور شده است. او آرزوها و درد و رنج‌های انسان امروزی، حیوانات، نباتات را هر کدام را به نحوی گوشزد می‌کند. به راستی رفتاری که ما انسان‌های (اشرف مخلوقات) با یکدیگر و با طبیعت، با حیوانات، با گیاهان و جنگل‌های سرسبزمان سر می‌زند رفتاری عاقلانه و اندیشمندانه است؟ آیا انسانی که خود را خلیفه‌الله و نماینده او می‌داند رفتاری شایسته است؟ با این درد و غم و اندوه چه باید کرد؟ نویسنده تا حد زیادی از عهده این داستان‌ها برآمده، او در طی ۸۵ سال زندگی خود داستان‌هایی از انسان‌های موفق شنیده و یا به چشم خود دیده که اعجاب‌انگیز است، این داستان‌ها از رفتار محبت‌آمیز حیوانات نسبت به یکدیگر و رفتار انسان‌ها با همدیگر و عشق ورزیدن انسان‌ها با حیوانات و درختان سخن به میان می‌آورد و گاهی سخن عشق را با لحنی عارفانه بیان کرده است. با خواندن این داستان‌ها امید

می‌رود دلی را تکان دهد، مغزی را به حرکت آورد، رفتاری را عوض کند، کینه‌ای را به محبت، قهری را به آشتی و اخلاق نابه‌جایی را به عشق تبدیل کند. من به او درود می‌فرستم و توفیقات بیشتری را برایشان آرزو می‌کنم و به امید آن روزی نشستیم که چون جوهره خلقت بر محبت و عشق استوار است این عطیه الهی در ما انسان‌ها بیدارتر گردد. به امید آن روز

به امید آن روز

حسین رفیعی پنجم بهمن ماه ۱۳۹۳

دماوند

کاش می‌شد سرنوشت خویش را از سر نوشت
کاش می‌شد اندکی تاریخ را بهتر نوشت
کاش می‌شد پشت پا زد بر تمام زندگی
داستان عمر خود را گونه‌ای دیگر نوشت

مقدمه

به جهان خرم از آنم که جهان خرم از اوست
عاشقم بر همه عالم که همه عالم از اوست
سعدی - علیه الرحمه

عرفان منفی - عرفان مثبت

برای رساندن منظورم از نوشتن این کتاب، به جمله‌ای از ویکتور هوگو خالق کتاب «بی‌نویان» استناد می‌کنم:

«موجوداتی هستند که بیش از چیزی نمی‌طلبند. جانورانی هستند که چون آسمان لاجوردی داشته باشند، می‌گویند بس است.»

متفکرانی وجود دارند که در شگفتی‌ها فرو می‌روند و در جذبه‌ی این شگفتی‌ها غوطه‌ور می‌شوند. اما نتیجه‌ای که از این جذب‌ها برایشان حاصل می‌شود، بی‌اعتنایی به بدی‌ها و خوبی‌هاست. از رنج آدم‌ها فارغ‌اند. همان هنگام که زیر درختان باصفا نشسته‌اند و در تخیلات خود غوطه‌ورند، نمی‌فهمند که می‌توانند به گرسنگی انسان‌ها، به تشنگی‌هایشان، به برهنگی‌هایشان در زمستان، به بیماری‌هایشان، به سیاه‌چال‌ها و در زندان‌ها و لباس‌های پاره نیز بیاندیشند. اما این‌گونه نیستند. این‌ها ارواح آرام و مخوفند که رضایی بی‌رحمانه دارند. عجیب‌تر این‌که ابدیت برایشان کافی است.

از وجود فانی که به خوبی قابل دیدن و فراگرفتن است، هیچ نمی‌دانند. به موجود محدودی که قابل ترقی است و شاهکار آفرینش است، فکر

نمی‌کنند. لایتناهی‌هایی که از ترکیب بشری و لاهوتی محدود و نامحدود به وجود می‌آیند، از نظرشان ناپدید است. هرچند هنگامی که با عظمتی روبه‌رو می‌شوند، لبخند می‌زنند اما هرگز مسرتی ندارند. با وجودی که همیشه در جذبه‌اند و غوطه‌وری حیات آنان است، اما تاریخ بشریت برای آنان چیزی جز نقشه چندپاره نیست. برای آن‌ها «کل» وجود ندارد. «کل واقعی» در خارج آن است. این که آدمی برای چه آمده است و چرا رنج می‌برد و برای چه خوب است، مهم نیست. کاری به این‌ها ندارند. برای آن‌ها ستاره «آلده باران» مهم است که چگونه اوج می‌گیرد. اگر مادری شیر ندارد و کودکان و نوزادانی از گرسنگی جان می‌دهند، به آن‌ها چه؟! برای آن‌ها خط مدوری که بر کنده کاج است، مهم است! زیر میکروسکوپ به شکل گل ستاره زیبا نمایان می‌شود. زیباترین توری‌ها را بیاورید با آن مقایسه کنید. برای آن‌ها این اشکال مهم‌اند، نه گرسنگی‌ها و مرگ‌ها و ستم‌ها.

این متفکران، دوست داشتن را از یاد می‌برند. منطقه البروج بر آن‌ها اثر می‌گذارد که از فکر آدمی بازشان می‌دارد؛ از نگرستن به اشک کودکی. خداوند جانشان را در محاق نهاده است. این‌ها خانواده‌ای از ارواح‌اند که در یک نظر، هم بزرگند، هم کوچک.

این جمله ویکتور هوگو چقدر عالی و بیان‌کننده حقیقت است: این اشخاص با آن قیافه‌های حق به جانب، نه فقط راهی را طی نمی‌کنند و با آن قیافه‌های آرام، نه فقط اضطراب درونی خود و دیگران را رفع نمی‌کنند، بلکه سبب گمراهی خود و لغزش دیگران نیز می‌شوند. رضایت بی‌رحمانه‌ای دارند. زیرا همه ناملایمات و بی‌چارگی و سرگردانی مردم را نادیده می‌گیرند و با فرورفتن در ظلمت، حس خودپرستی خود را اشباع کرده و آرامش می‌یابند. این‌ها موجوداتی مخوفند. زیرا غرقاب در تفکرات مجرد، خود را مافوق انسان‌ها نشان می‌دهند و مردم را به تردید در حقایق وامی‌دارند و زندگی‌ها را دچار اضطراب می‌سازند.

خواننده عزیز! سعی بر این است که خود را با واقعیت‌ها زندگی مشغول کنیم و به جهان و هر آنچه در اطراف ما می‌گذارد، بی تفاوت نباشیم. نشاط و سرور و غم و اندوه ما همان اندازه ارزش دارد که نشاط و سرور و غم و اندوه تماشاگرانی که به ما نگاه می‌کنند. گل، درخت، جنگل، جانوران، ستارگان، ابرها و هر چه هست، همه به انسان نگاه می‌کنند. دور از انصاف است که به نگاه واقعی آن‌ها اهمیت ندهیم. همان اندازه که خواست خود را به آنان تحمیل می‌کنیم، به خواست آنان نیز توجه کنیم.

احمد نصیری

دماوند ۱۳۹۳/۱۱/۱۳